

مریم شهبازی
| خبرنگار

حدود سی‌ویک سال قبل نوشتن را با مجله سروش نوجوان شروع کرد؛ کاری که آن را از خوش‌شانسی‌های زندگی‌اش می‌داند. هم‌زمان با کار رسانه به ترجمه هم مشغول شد و کمی بعد سرآزادی داستان نویسی نیز درآورد. حالا مدت هاست که مژگان کلهر از مطبوعات فاصله گرفته اما هنوز هم بخشی از امروزش را مدیون همان سال‌های داند و می‌گوید: «وقتی نویسندگان یا مترجمان جوان از من می‌پرسند چطور کتاب‌شان را منتشر کنند نمی‌دانم چه بگویم؛ خب من وقتی تصمیم به انتشار کتابم گرفتم به لطف کار مطبوعاتی، نیاز چندانی برای اثبات خودم به ناشران نداشتم.» البته طی این سال‌ها او به‌عنوان ویراستار هم با مؤسسات نشر مختلفی همکاری داشته. از این نویسندگان و مترجم تا به امروز بیش از ۸۰ اثر روانه کتابفروشی‌ها شده که نسبت میان ترجمه و تألیف، میان آنها تقریباً برابر است. گذشته از جوایزی که طی این سال‌ها به تعدادی از آثار او تعلق گرفته، ترجمه اسپانیایی و فرانسوی برخی نوشته‌های کلهر در اختیار علاقه‌مندان خارجی هم قرار گرفته‌اند. جلد نخست مجموعه رمان «الینا» از مژگان کلهر، روز شنبه به‌عنوان برگزیده جایزه «کتاب ماه وصال» کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان معرفی شده. او با همراهی عده‌ای از نویسندگان این گروه سنی مدتی پیش مجموعه‌ای با عنوان «کلاس اولی/کتاب اولی» را هم منتشر کرده‌اند. مجموعه‌ای داستانی که برای نخستین مرتبه باهدف روان‌خوانی و مطابق با کتاب زبان فارسی سال نخست مقطع ابتدایی در کشورمان منتشر شده است. نکات بیشتر درباره این دو مجموعه و همچنین وضعیت امروز ادبیات کودک و نوجوان را در گفت‌وگویی که با او داشتیم، می‌خوانید.

گفت‌وگو با مژگان کلهر، نویسنده و مترجم به بهانه دریافت جایزه «کتاب ماه و سال»

ادبیات کودک

در معرفی جهانی خوش‌شانس‌تر بوده‌است

■ با جلد نخست مجموعه الینا شروع کنیم که ابتدای هفته جاری موفق به کسب جایزه‌ای از کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان شد، این رمان کودک در قالب کار گروهی منتشر شده؟

«الینا در عروسی به صرف خارش» عنوان جلد نخست مجموعه چهارجلدی الینا است. با گروهی از دوستان نویسنده تصمیم به انتشار مجموعه رمان‌هایی برای کودکان گرفتیم که هر یک از اعضای گروه دست به انتشار کار خاص خودش زد؛ آنوسا صالحی مجموعه «نیما نایغه» و محمدرضا شمس هم مجموعه «آمینتیس» را نوشت. فرهاد حسن‌زاده هم مجموعه‌ای با عنوان «پنج به‌علاوه یک» را آماده کرد و...

■ گویا شما و دیگر نویسندگان این مجموعه، کتاب‌ها را بر مبنای برخی دغدغه‌های کودکان و والدین آنها نوشته‌اید!

بله و پیشنهاد آن هم از سوی محمدرضا شمس مطرح شد. در کارهای خارجی با مجموعه‌های مختلفی روبه‌رو هستیم که شخصیت اصلی آنها هر دفعه با ماجراهای مختلفی روبه‌رو می‌شوند. اما در آثار تألیفی یا نمونه‌های چندانی روبه‌رو نیستیم. در آغاز جلسات دست به بررسی کارهای مشابه خارجی زدیم و بعد هرکدام از نویسندگان حاضر شخصیت موردنظر خودشان را مطرح کردند.

■ چه میزان از کار بر اساس برنامه‌ریزی گروهی پیش رفت؟

انتخاب شخصیت‌ها و حتی ماجراها کاملاً آزادانه بود؛ تنها نقطه مشترک این رمان‌ها تألیف آنها بر اساس مسائل و مشکلات کودکان و دغدغه‌های والدین است. بعد از انتخاب شخصیت‌ها دست به انتخاب سوره داستان‌ها زدیم؛ من سراغ شیش رتقم! به محض بازگشایی مدارس، بدون توجه به اینکه تهران باشد یا فلان شهر کوچک یا حتی شمال و جنوب شهر، همه مدارس درگیر مسأله نپیش می‌شوند و البته غریالگری بچه‌ها. این موضوع جلد نخست است که برنده جایزه شده. اما نکته قابل توجه برای هر یک از ما شرایطی بود که در همفکری گروهی فراهم شد، یک‌به‌یک طرح داستان‌هایمان را به مشورت گروهی می‌گذاشتیم و هر کسی ایده‌هایی را که به ذهنش می‌رسید، مطرح می‌کرد. در این شیوه فراتر از همفکری با نوعی نقد سازنده برای پیشبرد بهتر کارمان هم طرف بودیم. پیشنهادهایی که مطرح می‌شد امکان به‌ربرداری از حیثه گسترده‌تری از تجربیات زیستی و مطالعاتی را فراهم می‌کرد. این همکاری از نتیجه خوبی داد؛ حتی تألیف گروهی مجموعه کتاب «کلاس اولی، کتاب اولی» هم نتیجه مطلوبی به دنبال داشت.

■ ساختار داستانی یا زبان واحدی برای این مجموعه در نظر گرفته شده بود؟

نه، هر یک در چگونگی نوشتن داستان‌ها آزاد بودیم.

■ همه اعضای این گروه پیش‌تر هم سابقه انتشار آثار مبتنی بر مشکلات و مسائل کودکان را داشته‌اند؛ همچون فرهاد حسن‌زاده که داستان‌هایی درباره بچه‌های مبتلا به شرایط جسمی خاص نوشته یا حتی مهدی رحبی و خود شما. این مسأله هم در شکل‌گیری جمع مذکور دخیل بوده؟

تنها براساس یک اتفاق نبود که این گروه شکل گرفت. خب محمدرضا شمس که با شرافق قرارداد داشت؛ من و آنوسا صالحی هم که با این مؤسسه همکاری داریم. البته در ابتدا قرار به همکاری چند نفر دیگر از نویسندگان کودک و نوجوان همچون محمود برآبادی می‌بود که شرایط پیش نرفت.

■ برای اینکه نتیجه کار یکی نوشته‌های خارجی شود چه کردید؟
تلاش کردیم مجموعه مذکور هویت خود را داشته باشد. از آنجایی که داستان‌های این مجموعه در خانواده‌های ایرانی رخ می‌دهد، بنابراین با کاری بومی طرف هستیم که از این بابت شبیه نوشته‌های خارجی نیست. قدری هم از مجموعه «کلاس اولی - کتاب اولی» بگوییم. در حیثه کتاب‌های آموزش زبان‌های خارجی با آثار سطح‌بندی شده روبه‌رو هستیم؛ در ارتباط با ادبیات داستانی چطور؟ ایده این مجموعه را آنوسا صالحی طرح کرد و دیگر دوستان هم استقبال کردند تا جایی که بررسی کردیم متوجه شدیم تنها نمونه مشابه این مجموعه به همان کتاب‌های آموزشی زبان

«الینا در عروسی به صرف خارش» قسمت نخست مجموعه چهارجلدی الینا است؛ کتابی که همین شنبه گذشته موفق به کسب جایزه‌ای از کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان شد که با متنش سرافراز است. کلهر در این مجموعه به سراغ مسائل مرتبط با کودکان رفته. الینا که همراه برادرش مانی و پدر و مادرش زندگی می‌کند در هر جلد با اتفاقی تازه روبه‌رو می‌شود.

الینا در عروسی
به صرف خارش
نشر کانون پرورش فکری

«دختری با رویان سفید» رمانی مملو از خیال است که مخاطب نوجوان با مطالعه‌اش با اتفاقاتی دور از تصور روبه‌رو می‌شود. از جان گرفتن عکس‌ها گرفته تا بازگشت هاپیوسته‌اند. شیرین، شخصیت اصلی داستان و مادرش با جبار زندگی در کنار پرنزنی تنها را پذیرفته‌اند که نیاز به همدم و پرستار دارد؛ این کتاب را کانون منتشر کرده است.

دختری با رویان سفید
نشر کانون پرورش فکری

«کسی که موهایم را شانه زد» مجموعه داستان کوتاهی از این نویسنده است که کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان منتشر کرده. این کتاب که موفق به کسب جایزه پروین ساداتی شده درباره دخترکی است که از دل‌تنگی، هاست و دشمنی‌های خود برای مخاطب نوجوان کتاب حرف می‌زند و اجازه می‌دهد تا در بخشی از تجربه‌اش از دوران کودکی شریک شود.

کسی موهایم را شانه زد
نشر کانون پرورش فکری

«ماجرای آفتاب و عزیزخانوم» یکی دیگر از نوشته‌های کلهر است که سرآزادترین هم درآورد، این کتاب که با همکاری نشر مهرشهر منتشر شده ماجرای دختری به نام آفتاب و همسایه‌اش عزیزخانوم است. اقتباسی از این کتاب سال ۷۳ در قالب نخستین سریال ساخته رضا میرکریمی ساخته شد.

ماجرای آفتاب و عزیزخانوم
نشر مهرشهر

«دروغگو جاسوس» نوشته «یکاستید» از جمله ترجمه‌های مژگان کلهر است؛ ماجرای این رمان نوجوان که افق آن را منتشر کرده درباره جورج، پسر دوازده ساله‌ای است که می‌خواهد سرآراز آقای همسایه درآورد. مرد مروزی که هر روز با یک چمدان می‌آید و یک کلمه هم با کسی حرف نمی‌زند.

دروغگو و جاسوس
نشر افق

«هنری زلزله و ماشین زمان» ترجمه‌ای از نوشته «فرانچسکو ریمه» از نوشته‌های فرانچسکو ریمه است. این رمان کودک درباره پرسرچاهی به وقتش شده جاسوس به رفتارش باشد. آخه خاله «روبی» آنها را به یک رستوران شیک دعوت کرده. از همه بدتر آنکه معلمش و مادرش هم اتفاقی به همان رستوران آمده‌اند!

هنری زلزله و ماشین زمان
نشر افق

علی محمدی / ایران

معرفی می‌کنند چقدر در انتخاب آثار خوب مؤثر بوده؟

این فهرست‌ها طی سال‌های اخیر جایگاه خوبی میان خانواده پیدا کرده که رسانه‌ها هم به معرفی اینها کمک کرده‌اند. شاید اگر این فهرست‌ها نباشند حتی آثار خوب هم دیده نشوند. حالا حداقل خانواده‌هایی که ضرورت کتابخوانی را می‌دانند، اطلاعاتی در این زمینه پیدا کرده‌اند. جالب اینجاست که در حوزه کودک و نوجوان هم مانند بزرگسال عنوان نویسنده و مترجم کم‌کم توجه خانواده‌ها را جلب کرده است. این مسأله بین مخاطبان نوجوان بیشتر خود را نشان می‌دهد؛ درباره آنان دیگر بحث انتخاب والدین در میان نیست. یک‌مرتبه که کتابی نظرشان را جلب کند بازهم به سراغ نویسنده یا مترجم آن می‌روند. به‌رغم همه گلابه‌هایی که مطرح شد نمی‌توانم از این مسأله صرف‌نظر کنم؛ بعضی بچه‌ها اهمیت زیادی برای مطالعه قائل هستند، شما سری به سایت‌ها و اپلیکیشن‌های فروش کتاب بزنید تا ببینید که خرید و فروش اینترنتی و تلفنی به این حوزه هم راه یافته است. این اتفاق تازه‌ای است. ■ این مسأله چقدر تحت تأثیر محدودیت‌های کرونایی و تغییر دافقه مخاطبان است؟ این اتفاقی است که خواننده‌خواه رخ می‌داد؛ منتهی کرونا آن را سرعت بسیاری بخشید. کرونا با همه آسیب‌هایی که رقم زد، مردم را بیش از پیش متوجه محصولات فرهنگی از جمله کتاب کرد. اتفاق جالبی که طی این یک سال شاهد بودیم ورود طیف تازه‌ای از جامعه به مخاطبان کتاب است. اما دیوارم علاقه‌مندی اینها دائمی باشد.

■ درباره محتوای داستان‌های این گروه سنی هم با تغییر رویه‌رو شده‌ایم؟

بله خوشبختانه روند رویه‌رشدی را شاهد هستیم؛ شما به جایگاه نویسندگانی همچون فرهاد حسن‌زاده یا جمشید خانیان که به جوایز خارجی همچون «هانس کریستین آندرسن» دست یافته‌اند، نگاهی بیندازید. اینها تنها در جایگاهی هم‌رده با نویسندگان شاخص جهان ایستاده‌اند بلکه آثار آنان به زبان‌های دیگر ترجمه و در برخی کشورها منتشر شده‌اند.

■ چرا این اتفاق بیش از ادبیات بزرگسال در حوزه کودک و نوجوان رخ داده؟

ما در حوزه سنی بزرگسال هم با آثار خوبی روبه‌رو هستیم؛ منتهی تنها این نویسندگان کودک و نوجوان هستند که از وجود شکل‌هایی همچون شورای کتاب کودک یا کانون پرورش فکری برخوردارند. در زبان فارسی ما با محدودیت جغرافیایی روبه‌رو هستیم از همین رو فعالیت این شکل‌ها تأثیر زیادی در معرفی داستان‌های ما دارد. اتفاقی که مشابه آن را برای ادبیات بزرگسال نداریم. البته تکنولوژی‌های ارتباطی هم منجر به شکل‌گیری تدریجی روابط میان نویسندگان ایرانی با دیگر کشورها شده، تأثیر این مسأله به مرور بر ادبیات هر دو گروه سنی شد؛ فروش خوبی داشت. راستش را بگویم از این تجربه شخصی تصور می‌کردم تنها کتاب‌های ناشران مشهور است که با استقبال مخاطبان روبه‌رو می‌شوند اما بعد متوجه شدم که ناشران به همان اندازه کتاب‌ها را به‌لایحه بدی ندارند. هرچند اینها را براساس مشاهدات خودم می‌گویم؛ پاسخ دقیق به این پرسش نیازمند بررسی آماری است. ■ دوماهین یکی - دوماهین یکی بخشی از خرید کتاب‌های کودک به کیوسک‌های مطبوعاتی و کتاب‌های نه‌چندان اصولی محدود می‌شد، حالا وضعیت به چه شکل است؟ انتشار فهرست‌هایی همچون لاک پشت پرنده یا آثاری که شورای کتاب کودک و کانون پرورش

مشغول کار ادبیات کودک هستید؛ جای خالی تشویق بچه‌ها به مطالعه چقدر در مدارس ما حس می‌شود؟

برنامه‌ریزان مدارس کمترین توجهی به ضرورت کتابخوانی و تأثیری که ادبیات بر رشد شخصیت و شکل‌گیری ذهن کودکان و نوجوانان به‌جای می‌گذارد ندارند. گذشته از بچه‌هایی که تحت تأثیر کتابخوان بودن والدین خود به مطالعه می‌شوند عمود دانش‌آموزان اهمیتی برای کتاب‌های غیردرسی قائل نیستند. چطور می‌توان از جای خالی چیزی صحبت کرد که ذره‌ای از ذهن بچه‌ها را به خود مشغول نکرده؟ چرا این قدر فارسی نسل امروز ضعیف شده؟ چون معلم نامی‌داند که مطالعه داستان چقدر به تکمیل دانسته‌های بچه‌ها کمک می‌کند. حالا بماند که به کیفیت آموزش زبان و ادبیات فارسی هم نقدهای متعددی وارد است. دختر خود من دانش‌آموز کلاس ششم است. از آنجایی که کلاس‌های درسی به فضای مجازی منتقل شده‌اند طی این ماه‌ها بنا به تجربه‌ای که از همراهی کلاس‌های آنلاین با دخترم پیدا کرده‌ام بارها دیدهام که جمله‌ساری بچه‌ها فاجعه است. خیلی از بچه‌های کلاس ششمی هنوز شناخت درستی از فصل پیدا نکرده‌اند؛ چرا؟ به این خاطر که آموزش درستی از فارسی ندیده‌اند. به‌تبع شرایطی که در مدارس حاکم شده والدین هم بهایی برای اینکه فرزند آنان صرف وقت و موصوف را نمی‌داند قائل نیستند، اما همین‌ها کافی است ذره‌ای ریاضی دختر یا پسرشان ضعیف شود تا اگر ناگهان اقتصادی‌شان اجازه بدهد برای آنها معلم خصوصی بگیرند. خود درس فارسی جایگاه چندانی میان مدارس و خانواده‌ها ندارد. حالا ادبیات داستانی که جای خود دارد؛ البته هزارگانه برخی معلم‌ها هستند که نگاه جدی‌تر در دلسوزانه‌ای به آموزش زبان و ادبیات فارسی دارند. کار سختی نیست که مدارس در برنامه هفتگی خود زمان کوتاهی را هم به کتابخوانی اختصاص بدهند. البته گاهی کارهایی می‌کنند، می‌گویند خلاصه فلان کتاب را بیاورید اما آن‌ها هم راه‌های خودشان دارند. بچه‌ها را به مطالعه محدود می‌کنند. شما سری به کتاب را انتخاب‌های گزینشی در میان است. این مجموعه هم اگر با استقبال مدارس روبه‌رو شده بیشتر به دلیل انتشار عنوان آن در نشریه خود آموزش پرورش است.

■ از احساس نیاز مسئولان مدارس به عنوان دبلی در همراهی آنان برای معرفی این مجموعه به دانش‌آموزان گفتید؛ چرا وقتی تنها بحث ادبیات صرف در میان باشد این علاقه‌مندی رخ نمی‌دهد؟ بویژه در جهان امروز که نظام آموزشی کشورها مختلف متوجه کارکردهای ادبیات حتی در تربیت فکری و اجتماعی کودکان شده‌اند!

بحث اینکه هنوز به آثار داستانی احساس نیاز نمی‌کنند یک طرف ماجرا است و طرف دیگر مرتبط با فیلترهای مختلف پیش روی مدارس در بحث انتخاب کتاب‌ها است. شما سری به کتابخانه اغلب مدارس که برنیزد با انواعی از کتاب‌هایی روبه‌رو می‌شوید که در آنها توجه چندانی به نیاز دانش‌آموزان نشده و بیشتر بحث انتخاب‌های گزینشی در میان است. این مجموعه هم اگر با استقبال مدارس روبه‌رو شده بیشتر به دلیل انتشار عنوان آن در نشریه خود آموزش پرورش است.

■ در قبال این بی‌توجهی مسئولان آموزشی، خود اهاالی ادبیات طی این سال‌ها چقدر برای تفهیم این نیاز و برقراری ارتباط تلاش کرده‌اند؟

تا به امروز که اهالی کتاب نتیجه‌ای در این تلاش‌ها ندیده‌اند، خود مدیران مدارس هم تنها وقتی از ما یاد می‌کنند که فلان مناسبت برای بچه‌ها فراهم کرده بودند. اما در فضای مجازی بیشتر والدین بودند که از این کتاب‌ها نوشتند. احساس می‌کردند حالا که بچه‌های آنان از مدرسه دور مانده‌اند مطالعه کتاب‌های این مجموعه می‌تواند کمک به روان‌خوانی آنان کند. استقبال خوب از این کتاب‌ها را بیش از همه مدیون والدین هستیم. نکته دیگری که در استقبال مدارس اثرگذار بوده، قرار گرفتن نام این مجموعه در فهرست برگزیده‌های جشنواره رشد است؛ همین یک عامل قابل

■ در قبال این بی‌توجهی مسئولان آموزشی، خود اهاالی ادبیات طی این سال‌ها چقدر برای تفهیم این نیاز و برقراری ارتباط تلاش کرده‌اند؟

تا به امروز که اهالی کتاب نتیجه‌ای در این تلاش‌ها ندیده‌اند، خود مدیران مدارس هم تنها وقتی از ما یاد می‌کنند که فلان مناسبت برای بچه‌ها فراهم کرده بودند. اما در فضای مجازی بیشتر والدین بودند که از این کتاب‌ها نوشتند. احساس می‌کردند حالا که بچه‌های آنان از مدرسه دور مانده‌اند مطالعه کتاب‌های این مجموعه می‌تواند کمک به روان‌خوانی آنان کند. استقبال خوب از این کتاب‌ها را بیش از همه مدیون والدین هستیم. نکته دیگری که در استقبال مدارس اثرگذار بوده، قرار گرفتن نام این مجموعه در فهرست برگزیده‌های جشنواره رشد است؛ همین یک عامل قابل

■ شما سال‌هاست در قامت مترجم و نویسنده

